

نظاره خلق

شماره سوم

سال اول

دو شنبه ۱۹ حمل ۱۳۳۰

روش نامه ما

واقعا جای بسیار شکر است اکنون خلق بسیر حوادث - مملکت خود علاقه گرفته و در چند روز مقالات بسیار متعددی بما رسیده است با کمال ممنونیت بنویسندگان محترم عرض شکران نموده ولی با احترام روش خود را در آتی برای معلوماتشان بمرض میرسانیم -

نویسندگان عزیز! ما با ماضی سیاه و چه بود و نبود چه کردند و نکردند - درامه های تنگین و مثالین آن سر و کاری نداشته و نداریم - حال و آینده در نظر ما قیمتدار - روزنامه ما کوچک و وقت ما تنگ است - نویسندگان ما از مظالم و سیاه روزها - رشوت ستانیها و خود سری ها داستانشما سروده ولی ما ما مور تصفیه حساب ماضی نیستیم - ما نمیتوانیم قانون متین حضرت خلیفه دوم یعنی قانون صادره علی العمال و ضبط اموال - ما مورین دولت را با حساب و سنجش عملی ما زیم - ما محاکمه و داد گاه تشکیل ندادیم که خوب و بد دیروز را سره کرده و مجسمه هر کس را در قبال نظورش مجسم سازیم غایه حقیقی ما آگاه ساختن مردم بطرز تشکیل حکومت خلق یعنی حکومتیست که توسط رای آزاد مردم انتخاب شده و توسط خلق یعنی بواسطه نمایندگان شان کا بینة مسئول تشکیل گردیده و برای خلق یعنی مطابق میل و رضای مردم و برای راحت و سعادتشان کار کند و همین است تصریف حقیقی دیمو کراسی - ما آرزو داریم بخلق مفهوم قانون - حقوق و راحتی را که قانون اساسی و قوانین عمومی برای خلق تهیه میکند - حقوق حاکم و محکوم - طرز انتخابات و کلاء - حقوق و کلاء شورای ملی - آزادی بیان - نشرات و اجتماعات سیاسی و تشکیل

بقیه در صفحه ۴

شاغلی م . غبار

ما چه داریم ؟
ظاهرا هر چیز! مثلا وزارتات - ریاسات حساسات متنوع - معارف - تجارت - شوارع و حمل و نقل و صدها چیز دیگر . اما معناشویبا هیچ چیز و یا کم چیز - بطور مثال دیروز نداشتیم و امروز وزارت معدن داریم اما این وزارت در عمل چه کرده؟ نفت و نغال و آهن استخراج کرده یا کدام شی دیگر؟ همه میدانیم هیچ چیز تنها کاریکه کرده همان تک کهنه یاد گاودوره حضرت نوح را در عوض قاطر توسط لاری حمل و نقل و بقیمت گزاف تری بمردم داده است - همچنین در زمین گذشته ما وزارت مالیه نداشتیم و امروز داریم و اسی همانطور که در گذشته حساب قطعی ما لانه مملکت را نمیداشتیم امروز هم نمیدانیم - فقط فرقی که در زمین دیروز و امروز است این است که آنوقت مستوفیها اسپ سوار شده و روی توشک می نشستند و امروز در مالیه با دم رنگین امضاء های پر نقش و نگار طغرائی میتما بند و مو ترهای چند متره سوار میشوند کسار دیگر و مهم تشکیلات جدیده ما این است که هر یک به توسعه بی سبب ادارات مربوطه خود کوشیده -

اتصالا شصه های بر قلمون بعنوان تدقیق - ارتباط منصوص و اصطلاح و ترقی و دها چیز دیگر ایجاد - و رتبه های سر گیج کنی اختراع کرده میروند - بدرجه که اینک در يك ریاست چندین ممین اول و ثانی و ثالث و رابع و در يك وزارت چندین وزیر و وزیر مختار - و در يك کابینه چندین وزیر دولت و ملت روپس ریخته اند . در حالیکه نه مملکت زراعتی شده و نه صناعتی

بقیه در صفحه ۳

پرهیز غور و آل

همدا او س باید خه و کـــوو؟

موز ته دیر کارونه به مخ کی براته دی چه بایدوی کوی
 مگر به دی تولو کی کرم چه الزم او اهم وی باید هغه تمخ
 کی برید و کوی که خه هم دا بستنه دیر خلی یخوا هم شوی
 وه - به خوله مو دیری خبری اتری کوی دیر تیه تیه معلول
 معشول پلانو نه موهم جور کیدی مگرد عمل به خای کی مو
 یو پل هم ندی ایشی . به هر صورت موز باید تیر و خبری
 پسی و نه گرزو چه خه شویدی او خه نه دی شوی - تیر به
 تیره هر خه چه هغه باید میر کوی - او هم دا او س باید
 دی ته خیر شو چه خه و کوی که زه بخبله خو به هغه عقیده
 یم چه که چیزی موز حقیقتا اصلاحات و طرفدار یو او غوا
 چه دا بد بخت قوم د خاورو نه پرتی کوی او د نیک بختی
 په لار هم کوی - نو امری تو هر خه دا به کار دی چه
 خیل نقا یس او معا یب اصلاح کوی - که موز خیل مانورونه
 اصلاح کولی نشی تر ز موز و کوتی محیط او ساسول هم ز موز
 به بل خلی - ز موز اخلاقی مقامدار اجتماعی مایب به
 عضوی کی هم خای نیسی و وو و وو کوه وال او بیاسول
 کلی وال به هغو بدوا و نایوو خو یو تراخته کیدی .

بشری تر لنی او جوامع تولد همدوا فرادونه جو ریزی
 که افراد صالح و - بولنه صالح او نیک مرغوی لار که
 افراد مفسد وی تو بولنه هم و سره مفسدیزی . ز موز -
 ما مورین او کار داران - د زور او د قدرت خاوندان -
 دکامداران او کاسیان چه که تن خیل گنهد پل به ضد
 کی لغوی علتی دا دی چه اجتماعی تربیه نه لری او
 بلا دا چه تولد موز خیل و وونه دی یا مو خا من دی د کوم
 بل مملکت نه ندی راغلی - تولد همدا خبله یز - برا به
 او اجنبی را باندی حکومت نه کوی - که موز دشمنان تو او
 خان خانی تیر تولد کوی او به ریتیا سره د ملی اار -
 اجتماعی درد روحیه به خان کی شوی کوی نو خود بخود ه
 او ترماتیکی صورت سره ز موز تولد کار و نسیس و ونکی وی مگر
 له بده مرغه ز موز د هر یوه خان خانی او شخصیت پرستی
 روحیه دومره شوی ده چه قام او ملت خو ادوله سره -
 بیتر نوم نه - فقط او فقط د خان به غم کی دوی یو -
 ز موز زیات تره کارونه نمایشی دی به هر کار او هر خبره
 کی مر شخصی استفاده به نظر کی وی موز دیر خلیک بیتر نو
 چه یو همدغه چل او تقلب - به مدغو دروغواو نمایشی -
 کارونری یوه وخت کی دیر خلق تیر ایستی و - خانونه -

شاغلی سور وال

انصارات دولتی

شبا اول حمل اعلانی را از طرف شرکت هند و بطول در
 کابل رادیو شنیدم که حاکی از ارتباط امور انشورکت
 بسوسه* (انصارات دولتی) بود چون برای اولین مرتبه
 نام انصارات دولتی را شنیدم بفکر افتیدم که یعنی چه؟
 اول فکر کردم که شاید این موسسه نظیر دیگر شرکت های
 انصاری خواهد بود و جدیداً (برای خدمت بمملکت) تشکیل
 یافته باشد ولی دو کلمه (انصارات) و (دولتی) -
 وادارم کرد عمیقتر فکر کنم حتی از بعضی اشخاص با اطلاع
 بهرسم . صبح اول حمل از چندین نفر پرسیدم آنها نیز
 عدم اطلاع خود را وانمود کردند. بالاخر ساعت یک ونیم
 صبح رده* جدید القاسمی (وطن) بدستم افتاد و صفحه
 دوم آن نوشته شده بود.... از شوری گذشت خدا کنید
 نشر شود. اما اکنون که مجلس عمومی وجود ندارد آیا
 یک کوی سینه میتواند حکمی صادر کند؟ از چند سال است
 در یقه رادیو و مطبوعات خارجه مطلع بودیم که در دنیا
 اکثر موسسات بزرگ که بعیات عامه ربط مستقیم دارند
 سالی ساخته میشوند یعنی بدولت تعلق میگیرند. چنانچه
 صنایع آهن و فولاد برطانیه که اساس تمام صنایع مسی
 باشد نیز بالاخره تقریباً بعد از چهار سال مذاکرات و
 مشاجرات تحت ملکی ساخته شد یعنی (بشبهه در صفحه ۲۵)

:: می تولتی دهد و سبوا و حاسر و ظنوبه نامشودلی وه
 ما غو ندی دیر خلق بی غولیدلی و او عشیه می لارله
 چه ریتیا گوندی دوی د کرم اجتماعی درد خاوندان دی
 دا خلیک به هغه وخت کی چه کومی لوری ریتی او چوکی
 خاوندان نه و خبله حقیقی او اصلی بنه او خیل ماهیت
 بی داسی پستاتلی و چه له سره پری خورک و همدل هم نه
 مگر خنگه چه خیل عضی هدف او عندی نصب السین ته -
 در همدل بیبا د تکه سره - هغه جصلی او ظاهره وی شمیری
 بی بدلی شوی او د هضر بخوانو خورویوه هم و سره ته
 لیدل کیده - هیچا دا گمان نه شو کولی چه دوی به
 گو ندی هماغه سری وی گمان کوم دی ته دومره ضرورت نه
 وی چه د داسی خلک تر نومونه و اخیتل شی حکم تول بی -
 بیتر ندای بی . نوموز باید دغسی نمایشی خرانانو
 تقلب نه عبرت و اخلا و هر گره پدی باید عقیده و لرو چه
 خلیک موز بیترنی او ز موز بیترنی احوال او کردار د تنقید به تله
 تلی او بهیا ز موز سبوا و کی د احوال او کردار و سره بی -
 خوا یخوا یز دی - که لبر شانتی تقلب و تخلف به کسی
 و بیترنی نمود نفرین او لعنت به کانونیه موی .
 نو بدی صورت کی به داده چه موز لمری تهر خه دهان د اصلاح
 د باره مجادله شروع کوی که موز خیل خانونه اصلاح کوی
 شونو پیشین و کوی چه تولنه هم اصلاح کیدونکی ده .

بقیه ما چه داریم؟

نه صادرات ترقی کرد و نه واردات تنزل نه حکومت قانونی شده و نه ملت باسواد. راهها خراب. پلها منهدم حمل و نقل قلیل - زراعت و صناعت مانند قرون وسطی نرخها مترقی و ملت فقیر و بیچاره است و سالهاست این - تشکیلات وسیع و اساسی ماصروف تعیین القاب و رنگ و روغن عمارات است و ماها در سر تقرر فلان عالیجناب در فلان بست میا حثات گرمی مینمایند گاهی هم شکل البسه چپراسی ها تعدیل و کلاه مستخدمین از سر میرسه گوشه تبدیل میشود - لکن نه معدنی استخراج نه نهی حقیر ته قابریکه تورید و نه بندی تعمیر گردید. مگر گاهی بطور بیسابقه و مسخره در جراید اعلان میشد که فلان فایریکه دولت (یعنی ملت) ملی شد (یعنی بفلان شخص به قیمت نازلی فروخته و لهذا مال شخصی شد) خوب پس علت این بیخبری ما چیست؟ خواهی گفت دو چیز: یا هویت مدیره حکومت نخواستند ما چیزی داشته باشیم و یا خواسته اند ولی نتوانسته اند و چون استعفا نگرفته اند در هر دو صورت نزد خلق و تاریخ مملکت مسئولند ولی به عقیده ما علت اصلی نهفته تراست و آن این است که اصلا ما شین اداری ما چیه و غلط بسته شده - فی المثل اگر عقل و زراعت روی زمین را از یک دروازه این دستگاه داخل کنید بعد از یکسال از دروازه دیگر آن خسته - تا کام و بد نام بیرون میرود. زیرا بسته کاری ماشین حکومت بارها از بسته کاری ما شین یک ساعت بزرگتر مهتمرو محتاج علم و دانش بیشترست. علم و دانشی که نتیجه تجاربیبی پایان و چند هزار ساله بنی نوع انسان بوده و بنام علم حقوق و اداره درد سترس ملل روی زمین گذاشته شده است مثلا یک ساعت اگر پرزده های آنچه و غلط بسته شد گرچه توسط پرو فیسرهای بزرگی هم باشد آیا کار میکند؟ ما حل این علم را میتوان در یکجمله (اصول دیموکراسی) خلاصه کرد یعنی تفکیک هوای ثلاثه - حکومت قانون - مسئولیت کابینه در نزد ملت - آزادی و مساوات ملت و اشتراک در امور اجتماع پس تکرار میکنیم که علت عقب ماندگی و بیچیزی ما عدم رعایت اصول دیموکراسی در طرز اداره ماست و ما تا ما به تحکیم این میانی از صمیم قلب و با تمام قوا متفقا کوشش نکنیم - نه اینکه مالک چیزی نخواهیم شد بلکه خلوا از دست دادن چیزی است که فعلا داریم. پس وظیفه نخستین منورین و جواید ملی همانا تبلیغ اصول دیموکراسی و مبارزه با بقایای مطلقیت و استبداد است و پس.

بقیه انحصارات دولتی

با انحصار دولت درآمدند. همچنین در ایران - هند - مصر برماو غیره مناطق منابع مهم صنعتی و تولیدی بدولت که نماینده کامل ملت است ارتباط گرفت - فکر کردم شاید این اقدام نیز از همه اقدامات الهام گرفته کدام قدم اصلاحی خواهد بود که برای خیر و بهبود عامه به تاسیس این موسسه اقدام کرده باشند. صرف باین فرق که در دیگر جاها به نسبتیکه رضایت و آراء عمومی قیمت نهاد دارد بر هر اقدام نیک و لوسد قیصد بخیر عامه یا شنجار و جنجال میاندازند و حکومت های که عملی - مختن چنین پلانها را بشوری پیشنهاد میکنند حتی با ثمر دلایل و - مخالفت های احزاب مخالفه مرض خطر موقوف واقع میشوند و در تمام مردم آنها یکنوع هیجان و دلچسپی دیده می شود ولی در اینجا چون کار خیر و نیک بنداشته شده بدون کدام سرو صدائی چشم بت مهر های تصویری چسبانیده شده اند یا باین علت لایحه تاسیس شدن آن پس و صدا مراحل خود را طی کرده خواهد بود که در اینجا اصلا حزب یا احزاب مخالف وجود نداشت تا صدای آنها بلند شده و ما هم خبر میشدیم - بهر کیف تمنای ما این است که موسسه مذکور حقیقتا برای خیر و نفع عامه تاسیس شده باشد نه اینکه برای کدام بیکار کار پیدا کرده باشد. خواهی دیدیم اگر از جمله اصرار باشد مقصد اصلی تشکیل آن موسسه را که از روی کدام پلان اقتصادی بعمل آمده و آینده بطور عموم سیاست اقتصادی چه خواهد بود بفهمانند و میپرسم که کدام چیزها با انحصار آن درآمده است آیا شرفل نیز منصرفانست یا برای - غریبی بعضی از غریبهای ملیونریجای خود است و هم تاریخچه مفضل انصار قند و بطرول را اداره مربوط نشر بفرماید که تا اکنون امتیاز انصاران نزد چه کما تری بوده و ازین دوک بدولت چه اندازه عواید میبرد اذت زیرا امتیاز انحصار تصاوهر سه سال بعدی مرض دا وطنی - گذاشته میشد ولی در خصوص امتیاز انصار بطرول - قند و بیوره - موتیوتا چند وقت هم قوه قفل و سیره قندکار و غیره چیزی شنیده ایم.

نداء خلق : ما مفضلا در این باره صحبت کرده و دلایل مخالفین را هم که نشر آن فیرض شوری است اشاعه می نمایم - کمیسیون فقط با نه مقابل هفت رای ایسین پروژه را پذیرفته ولی موسسه بعد از تصویب شوری باید شروع بکار میکرد. اما علت عملی نشدن آن مفضلا از تصویری ما معلوم نمیباشد.

شاغلی غلام حسن خا صا قی

مکاتیب وارده

د عوت مردم بخسرافات بوستی!!!

از چند یستدر سوخ رود و ننگوهار عمارتی بنام موی مبارک ساخته شده است کسه چار جر بزمین احاطه آن است... آیا استاد و شهود و روایات تاریخی بسوای آن موجود بوده و تا کنون این موی کجا و به که منسوب است؟ دینا ما باطاعت افعال و احوال موثوقه پیش وایان اسلام مکلفیم و حقیقتا اسلام ازینگونه خرافات بوستی ها بیزار است... مردمان با اطلاع آگاهند کسه سی و چند سال اولتر زیارتی در غور بند تاسیس و لسی حکومت فوراً بمحقیقات شروع و اشخاصیرا که برای فریب مردم این دستگاه را چیده بودند تیس و زیارت ساخنگی خان را کاملاً تخریب نمود اما اکنون سی سال میگرددولی ما مورین بزرگ حکومت موی مبارک میسازند متصل همان جا فیکه اکنون زیارت موی مبارک ساخته شده اما طسه

از شاغلی سید وزیر خان که نامه نداء خلق را - ترجمان احساس نوزده ملیون نفوس افغانستان از امواتا سند دانسته و کذا از شاغلی غلام ذکیخان مسعود که نامه ما را نماینده احساسات ملت و مداوی درد های اجتماعی شمرده و همچنین از شاغلی سید عزیز حسین خان مسعود که نامه ما را خادم خلق و مبارز دیموکراسی خواننده و خدمات افتخاری خود ما را عرضه کرده اند اظهار ممنونیت نموده و از شاغلی حق جوی (داخل لقا فقه) و خادم حق گوی (خارج لقا فقه) که بد کشور محمودی نشنا میدادند عمننا مینمائیم که اسم و شهرت مکمل خود را با داره بیاورند تا به نشر مکتوبشان اقدام نمائیم و لسی خدا کند که خودشان با این نام مطلقان اجیر و مخیر خا و تین نباشند.

تبریک و شکران

مکذبی است که از مدتها تمصیر آن به تصویب افتاده و حتی مصالح آنرا با این زیارت جدید صرف نمودند - آیا از نقطه نظر دین که تحصیل علم را بر هر مسلم و مسلمة قرض میداند و از نقطه نظر ایجابات مدنی ما به تمصیر مکتب محتاجیم و یا بساختن زیارت های جدید برای گمراه ساختن مردم؟ حالت امروزی ما شرم آور است افغانستان و خصوصاً مشرقی محتاج بمدرسه های مدنی است که چشم مردم را به حقاین تلخ و نا گوار منکلت باز ساخته و آنها را از گرداب جهالت و بد بختی و خرافات برستی برهاند ما از علماء کرام و جوانان منور ایزو مندیم که با اینگونه خرافات بسندی ها و فریب کاریها مبارزه کرده و نگذارند که بکند - مفرضین چشم و گوش مردم را بسته و آنها را با این زیارت ساریها و موی مبارک پیدا کردنها فریب دهند.

اولین شماره نیو هو پس (امرد های جدید) مورخه ۱۵ حمل که در اثر تشویقات محترمات خانم انصاری و خانم بیوم یز بان انگلیسی از طرف محصلات مکتب نسا ۱ نشر شده است با داره واصل و ما طلوع این ستاره درخشان و زاده قلم و احساسات دختران با هوش وطن را بهر یک گفته دوام این نامه را آرزو و از خانمهای موصوفه از صمیم قلب تشکر مینمائیم.

بجزیم نشانداده و برای حصول این جو خلق مبارزه نمائیم - اینک با تشریح مرام خود از نویسندگان - محترم نیز عمننا داریم که برای رهنمائی خلق از جوانین اساسی سایر ملل - طرز انتقابات شان آزادی و حقوق شان - آزادی مطبوعات و روش آنها و خلاصه از احساسات اولیه دیموکراسی سرفزده ترجمه کرده - امثله آورده و حساب دیروز را بمذالت الهی و تاریخ و حکومت خلق بسپارند.

پقیه روشن نامه ما

احزاب و یا جمعیت های سیاسی را بمردم بیاموزیم - ما ایزو مندیم بمردم نشان دیمیم که چگونه با صبر - ثبات و استقامت بدون زور و تشدد فقط از راه دیموکراسی بسر منزل نجات میسرند - ما سعی میکنیم حس مسئولیت و احترام قانون را در خلق بیدار نموده و بمردم طرز محاکمه آزاد انی و روش اثبات جرم و رویه با خلق را در وقت اتهام

شرح اشتراک

- کابل : ۴ افغانی سالانه
- ولایات : ۴۵
- خارج : ۵
- قیمت کل شماره : ۵۰ بول
- مطبوعه : گسترده رضی نداء خلق - کابل